

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 24 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض شد که مرحوم شیخ روایات دالّ بر حجیت خبر واحد را به چهار گروه تقسیم کرده است؛ دسته اول اخبار را اخبار علاجیه معرفی کرد و به آن استناد نمود. گروه دوم اخباری است که حضرات معصومین در آن اخبار جواب سوال مردم را به اصحاب خاص ارجاع داده اند که این هم در جلسه سابق عرض شد. سوالی که در پایان جلسه قبل مطرح شد این بود که مامون که مستفاد از گروه دوم روایات است آیا صفت خبر است یا صفت ثقه؟ استاد می فرماید به نظر می رسد ایشان مقصودشان این است که مامون صفت ثقه است.

طایفه سوم اخبار: آنجای است که حضرات معصومین علیهم السلام مردم را به روات، ثقات، اصحاب ارجاع داده اند؛ به طور مثال روایتی که می فرماید واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی روات احادیثنا ... در این روایت امام علیه السلام مردم را حواله داده اند به فقها، روات و...

نکته: اینکه امام علیه السلام مردم را به مجتهدانشان حواله دهند به درد ما نمی خورد؛ به نظر هم می رسد که در روایت بالا امام علیه السلام مقلدین را به مجتهدین ارجاع می دهند نه به روایان صرف احادیث؛ اگر این مراد باشد به درد بحث ما نمی خورد چرا که بحث ما مراجعه به مجتهد نیست بلکه قبول خبر واحد از راوی است.

استاد: شیخ می فرماید ممکن است صدر حدیث منظورش مراجعه مقلدین به مجتهدین باشد اما ذیل حدیث تعلیل دارد (فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم) و از تعلیل سندیت فهمیده می شود و بحث سندیت هم مختص به تقلید نیست بلکه شامل خبر واحد هم می شود.

استاد: می دانیم در اینجا هم بحث یقین مطرح نیست آنچه که مطرح است همان خبر واحد است.

مرحوم شیخ سپس می فرماید: این طایفه هم دلالت بر حجیت خبر واحد متحرز از کذب می کند.

البته در این روایات (گروه سوم) آمده است که شخص عادل باشد مثل روایتی که می گوید من کان من الفقها صائناً لنفسه، مطیعاً لامر مولاه و... این روایت حتی فوق عدالت را اقتضا دارد اما مرحوم شیخ می گوید این قیود موضوعیت ندارد و آنچه موضوعیت دارد متحرز از کذب است. (ایشان از باب مناسبت حکم و موضوع متحرز از کذب را نتیجه می گیرند)

طایفه چهارم: اخباری که از مجموع آنها استفاده می شود که خبر واحد حجت است (استاد سه طایفه قبلی هم این ویژگی را داشتند و لذا به نظر ما تقسیم بندی منطقی نیست) مرحوم شیخ طبق مبنای تجمیع ظنون این حرف را می فرماید. ایشان روایت من حفظ من امتی اربعین حدیثاً حشره الله یوم القیامه عالماً و فقیهاً و... را ذکر میکند و می فرماید این روایت در مقابل اندیشه حسینا کتاب الله است و این روایت می فرماید کسی که 40 حدیث حفظ کند (مراد از حفظ نوشتن، نقل کردن و.. است) فقیه و عالم محشور می شود؛ روایت می فرماید این اخبار آحاد را بنویسد حفظ کنید و... والا اگر خبر واحد حجت نبود معنا نداشت تحریک بر حفظ 40 حدیث و... سپس ایشان می فرماید مضمون این روایات هم پذیرش خبر ثقه متحرز از کذب است.

استاد: مرحوم شیخ به روایات نظم خاص دارد و هر 4 گروه را دالّ بر حجیت خبر ثقه دانست؛ بعد از مرحوم شیخ بسیاری از ایشان تبعیت کرده اند و لذا عموماً آقایان حرف مرحوم شیخ را پذیرفته اند (فقط دو سه نفر باکلام ایشان مخالفت کرده اند)

استاد: ای کاش مرحوم شیخ واژه ثقه را بیشتر توضیح می داد و بیان می کرد مراد از ثقه در این روایات چیست؛ آیا ثقه کسی است که در جمیع گفته هایش مامون از کذب است یا در گفته خاصش؟ شیخ می فرماید ثقه یعنی متحرز از کذب... آیا کسی که اشتباه می کند یا سوادش کم است یا عربی اش ضعیف است و... هم ثقه است؛ یا ثقه کسی است که متحرز از کذب، خطا، بی

سوادی و... است؟ البته ممکن است شیخ به خاطر وضوح مساله این را بیان نکرده است اما ای کاش به وضوح تکیه نمی کرد و این ها را به طور منقح بیان می نمود. ای کاش مرحوم شیخ بیان می کرد ثقه بودن که در این 4 گروه روایت آمده موضوعیت دارد یا طریقت؟ اگر وثاقت طریقت داشته باشد و ملاک حصول اطمینان باشد خیلی از اخبار سنی ها اگر در مرئی و مسمع معصومین علیهم السلام باشد و حضرت نهی نکنند و برای ما اطمینان آور باشد قابل پذیرش می شود با اینکه خبر ثقه به حساب نمی آید.

و الحمد لله رب العالمین